



روش‌های تربیتی فرهنگ‌سازی اقامه

نماز در سیره رضوی

دریافت: ۱۳۹۷/۷/۲۵ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵

محمد سبحانی یامچی^۱

چکیده

دوران امامت و رهبری امام رضا (علیه السلام) با تهدیدهای فرهنگی اندیشه ناب‌محمدی و اعتقادات مسلمانان همزمان بود، به طوری که ترجمه کتاب‌های یونانی و هندی برای ترویج افکار الحادی و ضداسلامی، همچنین تبلیغ سران سایر ادیان، تحریف و جعل احادیث و ظهور فرقه‌های مختلفی چون غلات، مفوضه، مشبهه، مجسمه و... عصر ایشان را با بحران‌های اعتقادی و فرهنگی روبه‌رو ساخته بود. حضرت در چنین فضایی سعی کرد تا با اصلاح عقاید، باورها و نگرش‌ها و نهادینه‌سازی و فرهنگ‌سازی اجرای اوامر و دوری مردم از نواهی شارع مقدس اسلام، زمینه‌های کمال و سعادت آنان را فراهم کند. نماز یکی از فرایضی است که امام برای اقامه صحیح و پالایش آن از خرافات و تحریفات با سیره رفتاری و گفتاری، سعی در فرهنگ‌سازی آن در جامعه داشت. این نگاشت به روش توصیفی-تحلیلی، ضمن بررسی فرمایش‌ها و سیره رفتاری حضرت رضا (علیه السلام)، روش‌های تربیتی اتخاذ از آن را مدلی جهت فرهنگ‌سازی نماز در جامعه اسلامی می‌داند. نتایج مقاله نشانگر آن است که با کاربست روش‌های تربیتی اسوه‌سازی و اسوه‌مداری، تبشیر و تشویق، انذار و بیم‌دادن، جلب توجه، اعطای بینش، روش غیرمستقیم و... در زندگی می‌توان با تأسی به امام رضا (علیه السلام) نماز را در جامعه دینی به صورت یک فرهنگ نهادینه کرد.

کلیدواژه‌ها: سیره گفتاری امام رضا (علیه السلام)، اقامه نماز، فرهنگ‌سازی، روش‌های تربیتی، سیره

رضوی.

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم: yamchi 88@gmail.com

۱. مقدمه

بعد از امام موسی بن جعفر علیه السلام مقام امامت به امام رضا علیه السلام رسید، چون او در فضایل سرآمد همه برادران و افراد خانواده اش بود و در علم و پرهیزکاری بر دیگران برتری داشت. شیعه و سنی بر برتری او اتفاق نظر دارند و همگان آن حضرت را به تفوق بر دیگران در جهت علم و فضایل معنوی می‌شناسند.

امام رضا علیه السلام که دودمان عالی و برجسته اش منسوب به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و خود چشمه‌ای لبریز از فیض و عطا و خیر و رحمت برای بشر است، برای تربیت و هدایت انسان خاکی به سوی عرش عالی فرستاده شد و برای این مهم، برنامه‌های خود را در طول عمر و امامت خویش بر بشر عرضه کرد تا با تمسک به آن، دنیا و آخرت خود را آباد کند و به‌عنوان متمدن‌ترین قوم، با اصل و ریشه الهی شناسانده شوند. یکی از برنامه‌های حضرت، دستگیری انسان و بالابردن او از سطح حیوانی به پرستش خدایی است که همه جهان در ید قدرت اوست. این پرستش به شکل نماز در دل و جان مؤمنان خدا ریشه دوانده بود زیرا یکی از ستون‌های دین مبین اسلام است؛ اما در عصر این امام همام با برخی جریان‌های منحرف عجین گردید که نیاز به شفاف‌سازی و زدودن خرافات پیرامون آن بود. برخی از ائمه علیهم السلام به جهت شرایط دشوار سیاسی و حساسیت ویژه حاکمان به عملکردشان در فعالیت‌های اجتماعی، نماز در زندگی آن‌ها بیشتر جلوه کرده و مورد توجه بوده است. سیره رفتاری و ارشادی امام رضا علیه السلام در موضوع نماز بیشتر نمایان است، لذا در زمان‌ها و مناسبت‌های مختلف با بیانات متعدد بر اهمیت این فریضه الهی تأکید می‌کردند. امام علیه السلام افزون بر آنکه خود به نماز و عبادت می‌پرداختند، شیعیان و دوستداران خود را جهت عبادت و شب‌زنده‌داری سفارش می‌کردند، چون نماز جامع‌ترین جلوه یاد خداست (أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدِكْرِي) (طه/۱۴) و بالاترین نقش را در تکامل انسان و ساختن جامعه آرمانی دارد.

نماز نخستین فریضه‌ای است که خدوند سبحان انجام‌دادن آن را بر مردم لازم شمرده

و نخستین کاری است که در اسلام، فرا گرفتن آن واجب است و نخستین عملی است که انسان در قیامت درباره آن بازجویی می‌شود. نماز ستون دین است که بدون آن ارزش‌ها و آرمان‌های دینی فرو خواهد ریخت. از این‌رو، در اسلام پس از اعتراف به مبانی عقیدتی، هیچ عملی بالاتر و والاتر از نماز نیست (ری شهری، ۱۳۹۲، ج ۱: ۷). بدون تردید، در میان عبادات و مسائل معنوی و ملکوتی، به اندازه‌ای که به نماز سفارش شده، به چیزی سفارش نشده است. نماز سفارش خدای متّان، پیامبران و سفرای الهی، امامان و بندگان صالح و باتقواست. به فرمایش حضرت رضا (علیه السلام) نماز مهم‌ترین عبادتی است که اگر قبول درگاه الهی شود، سایر عبادت‌ها نیز قبول خواهد شد و اگر قبول نگردد، اعمال دیگر نیز قبول نخواهد شد (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۵۴).

اهمیت نماز و ارتباط با خدا زمانی روشن می‌شود که به‌عنوان ستون دین، مورد تأکید روایات قرار گرفته است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۲۷). امام رضا (علیه السلام) ضمن تأکید بر اهمیت این فریضه الهی، در سیره و سخنان خود به فرهنگ‌سازی آن می‌پرداخت تا بتواند با نهادینه کردن نماز، از بروز بسیاری از انحراف‌ها در سطح جامعه جلوگیری کند زیرا خدای متّان نماز را ناهی از منکرات و کارهای زشت معرفی کرده است: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت/ ۴۵).

۲. پیشینه بحث

برای پیشینه این بحث نویسنده با دو مقاله مواجه شده است. مقاله اول با عنوان «بررسی نقش نماز در جهت‌دهی به سبک زندگی اسلامی در سیره رضوی» (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۴) که در آن مبانی و مؤلفه‌های نماز مطلوب، همچنین شاخص‌های فردی و اجتماعی آن را در سبک زندگی بررسی شده است. مقاله دوم با عنوان «جایگاه نماز در اندیشه امام رضا (علیه السلام)» (جانی‌پور، ۱۳۹۰) است که نویسنده، رساله امام رضا (علیه السلام) به مأمون را که به «رساله محض الاسلام» مشهور است، به روش تحلیل محتوا بررسی کرده است.

چنان که ملاحظه می‌شود، نویسندگان نقش و جایگاه نماز را بررسی کرده‌اند. پرسش اساسی این مقاله این است که اگر نماز ستون دین است و شاخص زیست‌مسلمانی و ایمانی در جامعه شمرده می‌شود و حضرت رضا (علیه السلام) و فرهنگ رضوی اهتمام ویژه‌ای به نماز و اقامه آن داشت، با چه روش‌ها و شیوه‌هایی می‌توان نماز و نمازخوانی را به صورت یک فرهنگ در جامعه و خانواده نهادینه کرد.

نوآوری این مقاله، بیان روش‌های تربیتی و اعمال آن در خانواده و جامعه جهت فرهنگ‌سازی امر نماز است. مراد از روش تربیتی، شیوه انتقال بینش‌ها و ارزش‌ها به فرد تربیت‌شونده است. امروزه با نوعی تغییر ذائقه فرهنگی در جامعه و خانواده‌ها مواجه هستیم که خانواده‌ها حساسیت لازم در مسائل اعتقادی به خصوص اقامه نماز در خانواده و یا توسط فرزندان را ندارند و یا کمتر به آن توجه می‌کنند. اگر بتوانیم با روش‌های تربیتی - چنان که در سخنان امام رضا (علیه السلام) منعکس شده، امر اقامه نماز را مدیریت و به‌جا نسبت به اصلاح ارزش‌ها و بینش‌ها اقدام کنیم، بی شک در فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن آن موفق خواهیم شد. بررسی بیانات حضرت رضا (علیه السلام) بیانگر آن است که می‌توان از سیره رفتاری و گفتاری حضرت روش‌هایی را استنباط کرد که با کار بست آن در جامعه، فرهنگ نمازخوانی رواج یابد.

۳. مفهوم شناسی

روش

روش در لغت به معنای طریق و عادت و به معنای رفتار نیز آمده است. در اصطلاح عبارت است از فرایند عقلانی یا غیرعقلانی ذهن برای دستیابی به شناخت یا توصیف واقعیت. به واسطه روش می‌توان از طریق عقل یا غیر آن، واقعیت‌ها را شناخت و مدلل کرد و از لغزش برکنار ماند. در معنایی کلی‌تر، روش هر گونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود است. روش ممکن است به مجموعه طریقی که انسان را به

کشف مجهولات هدایت می‌کند، مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات رهبری می‌کند، اطلاق شود (ساروخانی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۴). برخی پژوهشگران روش را به شیوه‌های درست انجام‌دادن کار بر اساس اصول، قوانین و قواعد مشخص و ابزار مناسب، به صورت آگاهانه برای دستیابی به حقیقت معنا کرده‌اند. به عبارت دیگر، روش مسیری است که دانشمند در سلوک علمی خود طی می‌کند و همواره در متن حرکت فکری و تلاش‌های علمی وی قرار دارد (پارسانیا، ۱۳۹۰: ۶۹).

فرهنگ

فرهنگ به معنای علم و دانش، مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم (معین، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۵۳۸) ادب و تربیت و آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت است (عمید، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۸۳۷). برخی فرهنگ را پدیده کلی پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعد است، می‌دانند (انوری، ۱۳۸۱، ج ۶: ۵۳۴۶). از جنبه اصطلاحی برای فرهنگ تعریف‌های گوناگونی صورت گرفته است. «بواس» فرهنگ را تمامی عادت‌های اجتماعی موجود در یک جامعه و واکنش‌های فرد و گروهی که در آن زندگی می‌کنند، می‌داند (حسینی‌پور سی‌سخت، ۱۳۹۰: ۳۸). برخی دیگر آن را مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگی‌های اعتقادی جامعه دانسته‌اند و عده‌ای در تعریف آن آورده‌اند: انبوه واکنش‌های حرکتی اکتسابی، فنون، اندیشه‌ها، ارزش‌ها و رفتار ناشی از آن‌ها فرهنگ را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین جوهره اصلی فرهنگ «اندیشه و معرفت» است که به همه امور زندگی انسان - از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین سطح - ارتباط می‌یابد و رابطه فرد با همه امور زندگی را بیان می‌کند و انسان برای زندگی در جامعه آن‌ها را یاد می‌گیرد (بهروان، ۱۳۷۹: ۵۳۸). با توجه به تعریف فوق، عناصر عمده فرهنگ عبارتند از: ارزش‌ها، هنجارها و ارتباطات نمادین. این عناصر مبانی اندیشه و معرفت انسان را در همه امور و زمینه‌ها نشان می‌دهند و عضویت یک فرد را در جامعه امکان‌پذیر می‌سازند (همان: ۵۴۰).

۴. شرایط عمومی و فرهنگی عصر امام رضا (علیه السلام)

امام رضا (علیه السلام) به سال ۱۴۸ (یازدهم ذیقعدة یا...) در مدینه چشم به جهان گشود و در ماه صفر سال ۲۰۳ هجری در ۵۵ سالگی، در طوس خراسان به شهادت رسید. عصری را که امام در آن زندگی می‌کرد، عصر طلایی می‌نامند به طوری که گفته می‌شود در این دوره علم و معرفت رواج پیدا کرد و تمسک به عقل و منطق در امور دینی و سازش دادن مذهب با فلسفه طبق عقاید معتزله آغاز گردید. یکی از عواملی که باعث رواج علم و معرفت شد، ترجمه کتاب‌های یونانی و هندی بود که سبب انتقال فرهنگ یونان و عقاید یهود و مسیحیت به جهان اسلام گردید. امام، زمانی وارد صحنه شد که امت اسلامی همزمان با ترجمه کتاب‌های غربی و شرقی، آکنده از شرک و کفر و تسلیم‌پذیری در برابر حکومت و نیز در بحبوحه انتشار اندیشه‌های الحادی به سر می‌برد و چنین بود که امام رضا (علیه السلام) در چنین عصری در برابر امواج سهمگین فرهنگی مسئولیت مهمی داشت زیرا موج عظیم ترجمه کتاب‌ها، تهدیدی جدی برای اسلام بود. ایشان با سفر به مراکز فرهنگی چون بصره و کوفه، علاوه بر دفاع از اسلام ناب، از مکتب تشیع و امامت خویش نیز دفاع کرد. سفر ایشان به خراسان تحولی عظیم در مکتب تشیع بود که امام رضا (علیه السلام) با پذیرش آن و شرکت در مناظرات با عالمان ادیان و فرقه‌های مختلف، برتری مکتب تشیع را اعلام کرد و سران بزرگ آن‌ها را در این مناظرات در برابر امامت خویش خاضع گردانید.

امام رضا (علیه السلام) به خوبی از انحراف‌های فکری این دوره که به اوج خود رسیده و باعث به وجود آمدن نهضت کلامی عظیم در این عصر شده بود، آگاهی کامل داشت. وی بنا بر مسئولیت خطیری که بر عهده داشت، برای از بین بردن این انحراف‌ها دست به اقدام‌های گسترده زد؛ همچون تربیت شاگردان، مبارزه با شبهات و گروه‌ها و فرقه‌هایی که با تحریف احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) قصد ضربه زدن به اسلام را داشتند؛ مانند واقفیه، مفوضه، غلات، مجسمه، مشبهه. سفر به مراکز علمی از جمله بصره، کوفه، ایران و دیدار با مردم این شهرها سبب تشکیل محافل علمی می‌شد و حضرت

در این مراکز به ایراد حدیث می‌پرداخت. یکی از اجتماعات پرشور در سفر امام به نیشابور رخ داد. به‌گفته‌ی بعضی از مورخان، چندهزار نفر در این اجتماع که بعضی از آنان محدثان اهل سنت بودند، شرکت داشتند (رک: محبی پور، ۱۳۸۸: ۱۷-۲۷).

ایشان با هدایت مستقیم مردم و ارتباط با علمای مسلمان در جهت ارائه خدمات و احیای اندیشه اسلام و همچنین مجالس درسی که در جامعه بر پا می‌کردند، به تغذیه فکری و خدمات گسترده علمی برای ترقی اندیشه و اعتقاد امت اسلامی و تعالی فکری مردم می‌پرداختند. در واقع، ایشان به مبارزه‌های فکری، فلسفی، اعتقادی و فرهنگی در عصر خویش با دانش‌های گوناگون خود - که گاه به اصحاب و شاگردان خود تعلیم و زمانی در پاسخ پرسش‌ها بیان و یا به طوری که تاریخ نقل می‌کند، از طریق مباحثات و احتجاجات علمی و عقیدتی با ارباب مذاهب دیگر افاضه می‌فرمود - اندیشه‌های اسلامی را غنی و پر بار می‌ساخت. یکی از مسائل مهمی که در طول زندگی به‌خصوص در طول سفر و زمان حضور حضرت امام رضا (علیه السلام) در طوس به‌صورت ویژه‌ای قابل لمس و درس‌آموز است، اهمیت‌دادن به نماز و نماز اول وقت است. در این مقاله به‌کمک روش‌های تربیتی و با بهره‌گیری از فرمایش‌های امام رضا (علیه السلام)، به نمونه‌هایی از این روش‌ها اشاره می‌شود.

۵. روش‌های فرهنگ‌سازی

۱-۵. اسوه‌سازی و اسوه‌مداری

اسوه عبارت از حالتی است که انسان به‌هنگام پیروی از غیر خود پیدا می‌کند و برحسب اینکه پیروی از چه کسی باشد، ممکن است اسوه‌ای نیک یا بد برای انسان فراهم آید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۶). در روش اسوه‌سازی و اسوه‌مداری، مربی می‌کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را به‌طور عملی در معرض دید متری قرار دهد و بدین‌گونه موقعیت اجتماعی او را دگرگون کند تا او به پیروی پردازد و حالت

نیکویی، مطابق با آن عمل نمونه، در خویش پدید آورد. این حالت متربی، اسوه نام دارد و درگرو پیروی از عمل مزبور است. در این صورت، می‌توان گفت که در این عمل، اسوه خوبی برای فرد وجود دارد (باقری، ۱۳۸۵، ج: ۱، ۱۴۴).

قرآن کریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را اسوه نیکو می‌خواند «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/ ۲۱) چون در اندیشه اسلام، فرهنگ‌سازی از مربی جامعه آغاز می‌شود و سپس به عموم مردم سرایت می‌کند. به بیان دیگر، ابتدا فرد باید خود را با فرهنگ کند تا بتواند به دیگران نیز فرهنگ یاد دهد که «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيُبَيِّدْ بِنَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ» (آن‌که خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش پردازد) (نهج البلاغه، حکمت ۷۳). مردم سخنان کسی را که به گفتار خود پایبند نبوده و آثارش در زندگی او نمایان نیست، نمی‌پذیرند. اسلام با عنایت به فقر ذاتی انسان، به انتخاب الگو و با توجه به نیاز فطری او به اسوه و امام، با معرفی حضرات معصومین علیهم السلام این خلأ روحی را پر کرده و نمونه‌های عملی را به انسان‌ها معرفی کرده و آنان را بالاترین مرجع برای تربیت بشر و بهترین وسیله، برای نیل به هدف غایی تربیت می‌داند. لذا ساختن انسان‌هایی که در میان جامعه نقش الگو و اسوه داشته باشند، از مهم‌ترین اهداف مورد نظر اهل بیت علیهم السلام در ایجاد جماعت صالح شیعی است. اهل بیت علیهم السلام بر این نکته که میان وجود الگو در جامعه و روابط اجتماعی موجود در آن رابطه تنگاتنگی وجود دارد، همچنین تأثیر وجود الگو و اسوه در استحکام پایه‌های این روابط و دست‌یافتن به اهداف مطلوب از آن‌ها تأکید می‌کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همنشین مناسب را کسی می‌داند که با دیدارش انسان به‌یاد خدا بیفتد و با دیدارش دانش فزونی یابد و با رفتارش انسان به آخرت ترغیب شود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج: ۸، ۴۱۲). از این بیان استفاده می‌شود که صفات تأثیرگذار اسوه و الگو در روابط اجتماعی را به دو قسمت اصلی می‌توان تقسیم کرد: اول، صفاتی که نشان از ارتباط الگو با خداوند متعال دارد. دوم، صفاتی که نشان از رفتار برجسته الگو در روابط اجتماعی دارد (حکیم، ۱۳۹۱، ج: ۶، ۲۹۶).

روش تربیتی اسوه‌مداری در رفتار و گفتار امام رضا (علیه السلام) به‌عنوان یک اسوه آسمانی در فرهنگ‌سازی بیشتر نمایان است و حتی شاید بتوان گفت بیشتر از گفتار با اعمال خود بر این کار مبادرت می‌ورزیدند. ابوضحاک درباره عبادت امام رضا (علیه السلام) روایت می‌کند: «به خدا سوگند، من هرگز کسی را جدی‌تر از این مرد در تقوا و عبادت خداوند متعال ندیدم. در همه حال به یاد او بود و ترس خدا را در دل داشت. هنگامی که وقت نماز صبح می‌شد، نمازش را می‌خواند و هنگامی که تمام می‌شد و سلام می‌داد، در جایگاهش می‌نشست و شروع به ستایش و حمد خدا می‌کرد و می‌فرمود: «الله اکبر»، «لا اله الا الله»، «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد»، و این عمل را تا طلوع آفتاب تکرار می‌کرد.» (قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۷۴). «ایشان وقتی به پیشواز جمعی از طالبیان رفت، زیر صخره‌ای فرود آمد و فرمود: اذان بگو. عرض کردند: منتظر بمانیم تا دوستان هم به ما ملحق شوند. حضرت فرمود: هرگز نماز را بی‌دلیل از اول وقت به تأخیر نینداز. همیشه رعایت اول وقت را بکن.» (عقیل، ۱۳۹۱: ۲۷۳). ایشان به هیچ قیمتی فضیلت نماز اول وقت را از دست نمی‌دادند و حتی در مهم‌ترین جلسات سیاسی و علمی، آن را به تأخیر نمی‌انداختند. در یکی از جلسات مناظره که بین امام رضا (علیه السلام) و عمران صابئی بود، عمران در مقابل استدلال‌های امام (علیه السلام) تسلیم شد و گفت: «یا سیدی، لاتقطع علیّ مسالتی فقد رقی قلبی» (اکنون روح من نرم شده؛ حاضرم مکتب تو را بپذیرم). ناگهان صدای اذان بلند شد. امام (علیه السلام) جلسه را ترک کرد. حاضران گفتند: فرصت خوبی است، چنین فرصتی پیش نمی‌آید، امام فرمودند: اول نماز (ابن‌بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۴۳۵؛ شریف قرشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۱۰). فرمود: «نماز باید در اول وقت انجام گیرد. فضیلت نماز جماعت بر نماز فردای، هر رکعت هزار برابر است.» (شریف قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۸۵). در سایه چنین رفتاری، قطعاً توصیه ایشان بر ابراهیم بن موسی مبنی بر عدم تأخیر از وقت نماز بدون عذر از عمق دل پذیرفته شده و در رفتارشان نمودار می‌گردد «لا تُؤخَرَنَّ صَلَاةٌ عَنْ أَوَّلِ وَقْتِهَا إِلَى آخِرِ وَقْتِهَا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ عَلَيْكَ أَبَدًا بِأَوَّلِ الْوَقْتِ.» (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۱۰۱).

با توجه به این شواهد، می‌توان گفت امام رضا علیه السلام اهتمام خاصی بر شاخص و الگو قراردادن رفتار خویش بر جامعه بشری دارند زیرا سازندگان اصلی هر محیط نخبگان و سردمداران آن جامعه و محیط هستند؛ بنابراین یکی از شیوه‌های ایجاد محیط تربیتی مساعد، پدیدآوردن و معرفی کردن الگوهای شایسته در آن محیط و طرد الگوهای ناشایست است. وجود الگوهای محبوب در جامعه، به‌خودی‌خود افراد آن محیط را به‌سوی آنان سوق می‌دهد و از مکارم اخلاقی‌شان الگوبرداری می‌کند. وقتی بنا به روایت رجاء‌ابن‌ابی‌ضحاک که مأمور آوردن امام از مدینه به مرو بود، نماز شب ایشان در طول سفر فوت نشد و آن حضرت افزون بر نماز شب و یومیه، نماز جعفر طیار نیز می‌خواند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۹۰) کم می‌خواهید و بیشتر شب را به عبادت می‌گذرانید، قطعاً سفارش ایشان بر پیروانش مبنی بر اهمیت دادن به نوافل و به‌ویژه نماز شب و انتخاب ایشان به‌عنوان اسوه سحرخیزی و شب‌زنده‌داری، بی‌تأثیر نخواهد بود.

علت تأثیرگذاری روش اسوه‌مداری در تربیت انسان بدین جهت است که اولاً شنیدن و دیدن صفات انسان‌های برتر، اندیشه افراد را دگرگون می‌سازد و رفتار آنان را در مسیر صحیح هدایت می‌کند چون انسان از عوامل حسی بیشتر متأثر می‌شود تا عوامل غیرحسی و معنوی. الگو نیز امری حسی و نمونه‌ای عینی است که الگوپذیر می‌تواند آن را ببیند و رفتارش را مشاهده کند. از این‌رو، فرایند همانندسازی و الگوبرداری با اندک تأملی در رفتار الگوی مورد نظر شکل می‌گیرد. دوم، تأثیرپذیری انسان امری ذاتی و فطری است که به شالوده وجودی انسان برمی‌گردد. شاید آدمی را نتوان پیدا کرد که صددرصد نفوذناپذیر باشد و هرگز چیزی بر او تأثیر نگذارد، زیرا انسان در هر شرایطی با عوامل بیرونی روبه‌روست که خواه‌ناخواه بر جسم و روح او اثر می‌گذارند (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۴: ۳۶). سوم، آشنایی با شخصیت و زندگی اسوه‌های مکتبی، چراغ راه انسان‌ها بوده و هست و همیشه رفتار، بیش از گفتار تأثیربخش بوه است. لذا اولیای الهی بهترین الگوهای هستند که انسان‌ها می‌توانند از ارتباط با آنان، در مسیر رشد و تکامل خود بهره

ببرند که اثر حضور امام رضا (علیه السلام) در خراسان، گرایش مردم به ایشان و گسترش تشیع در این منطقه، نمونه‌ای از تأثیرگذاری این روش تربیتی است.

۲-۵. انذار و بیم

انذار مصدر باب افعال و به معنای آگاهانیدن کسی نسبت به امری است که در آینده رخ می‌دهد و مایه رنج و عذاب او می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۹۷). در نظام تربیتی، بر اساس این شیوه، مربی باید با آگاهی مناسبی که از اعمال مترتبی و آثار مترتب بر آن دارد، او را نسبت به عواقب اعمال نامطلوبش آگاه سازد و ضمن توجه‌دادن وی به مسئولیت‌هایش، او را از ترک وظایف بترساند و از پیامدهای ناگوار خطاهایش بر حذر دارد (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۸۹). البته، انذار مانند هر عامل تربیتی دیگر هنگامی اثربخش است که دل‌ها آمادگی پذیرش آن را داشته باشند و فرد از حیات انسانی و روحانی برخوردار باشد. کاربرد عنصر انذار بیشتر برای کسانی است که در وادی غفلت، انکار مبدأ و معاد و مخالفت به سر می‌برند و دنیاطلبی و دلبستگی به نعمت‌های فریبنده دنیا، آن‌ها را از پذیرش حق باز داشته و بشارت‌ها را نسیه می‌پندارند و به توهم خویش نقد دنیا را به نسیه آخرت تعویض نمی‌کنند و سرمایه زندگی خویش را یکپارچه در اختیار بهره‌های دنیا قرار داده‌اند. لذا، قرآن کریم رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در بعضی موارد در روش انذار خلاصه می‌کند و به صورت حصر و اختصاص بیان می‌کند که ای پیامبر، تو فقط بیم دهنده هستی «إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ» (فاطر/۲۳)؛ «إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ» (سبا/۴۶).

از آنجاکه انسان به‌طور فطری همواره انگیزه اعمال و رفتار خویش را به جهت جلب منافع یا دفع خطر انجام می‌دهد، تربیت را باید بر این دو پایه قرار داد و از آن دو عنصر انذار و تبشیر را نتیجه گرفت. قرآن در توصیف رسالت پیامبران، از این دو عنصر یاد کرده است: «وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ»؛ (و ما پیامبران را نمی‌فرستیم مگر برای مزده‌دادن و ترساندن) (انعام/۴۸). ائمه طاهرین علیهم السلام به‌ویژه امام رضا علیه السلام از این دو

عنصر در جایگاه خود بهره‌جسته‌اند. از آنجاکه عنصر انذار نقش بیشتری در تربیت افراد و سلامت جامعه دارد، بهره‌گیری از روش انذار و بیم بیشتر به‌چشم می‌خورد، چون انذار و ترسانیدن تنها در افرادی که روح حقیقت‌طلبی و حق‌جویی در آن‌هاست، اثر می‌کند و در افراد معاند و لجوج تأثیر ندارد. لذا، قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَّنْ يَخْشَاهَا» (همانا کسانی که خشیت الهی دارند، آن‌ها را می‌ترسانی) (نازعات/۴۵). همچنین کسانی را که حیات انسانی دارند و قلب آن‌ها سالم و پاک است، می‌ترساند؛ «لِيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا» (یس/۷۰). انذار باید به‌طور مکرر و متنوع صورت پذیرد تا در عمق جان نفوذ کند (قرائتی، ۱۳۸۹: ۱۹۲). امام رضا (علیه‌السلام) در مسئله فرهنگ‌سازی نماز به پیامدهای اخروی آن اشاره کردند که: «فَإِنْ جَاءَ بِهَا تَامَّةٌ وَإِلَّا زُخَّ بِهِ فِي النَّارِ» (اگر نماز را به تمام و کمال به‌جا آورده باشد عبادات او را می‌پذیرد وگرنه او را به آتش می‌افکنند). (منسوب به امام رضا (علیه‌السلام)، ۱۴۰۶ق: ۶۰). همچنین، در پایان حدیثی با این مضمون می‌فرماید: «وَيْلٌ وَ نَفْرِينِ خَدَا بَر كَسِي كَهْ اَز نَمَازَش مَحَافِظَتِ نَكُنْد». (...فَالْوَيْلُ لِمَن لَمْ يُحَافِظْ عَلَى صَلَاتِهِ..) (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج۴: ۳۰).

امام رضا (علیه‌السلام) به‌عنوان یک مربی معصوم، در زمان حساس تأثیرپذیری از این روش برای آگاه‌کردن از عواقب تلخ دنیوی و اخروی ترک نماز استفاده می‌کردند و آن‌ها را از تسلط شیطان و گرفتاری‌های بزرگی که نتیجه ضایع کردن نماز و بریدن از معبود است، برحذر می‌داشتند: «لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ ذَعْرًا مِّنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافِظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخُمْسِ فَإِذَا ضَيَعَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ وَ أَوْفَعَهُ فِي الْعِظَائِمِ» (شیطان همواره از انسان مؤمن بیمناک است تا زمانی که نمازهای پنج‌گانه را حفاظت و مراقبت می‌کند؛ و هنگامی که حق نمازها را تباه کرد، شیطان نسبت به او جرأت می‌یابد و او را دچار گرفتاری‌های بزرگ می‌کند) (منسوب به امام رضا (علیه‌السلام)، ۱۴۰۶ق: ۴۲). امام صادق (علیه‌السلام) منظور از ضایع ساختن را به تأخیر انداختن آن از اوقات معین می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۸۰۲). امام رضا (علیه‌السلام) با اصرار بر آثار تربیتی فراوان این روش، یکی از علل قحطی را که از بلایای ملموس برای مردم عصر خود بود، رویگردانی از نماز و ارتباط با خداوند بزرگ بیان می‌کند: «...وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ ابْتُلُوا بِالْقَحْطِ وَ السِّنِينِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸

ج ۲: ۲۹) تا آنان را از سختی پیامدهای ترک واجبات و بخصوص نماز با امور حسی که خود تجربه کردند، آگاه سازد.

اتیان نماز با همه آداب و شرایط فقهی آن و حضور قلب بنده با ایمان، از اسباب حفظ نماز در مرحله ثبوت است؛ ولی فرمان پاسداری از نماز گسترده‌تر از حفظ در مرحله حدوث و بقاست. بنابراین، بنده مؤمن باید نماز با اخلاصش را با کارهای بعدی تباه نکند تا نماز وی نزد خداوند رود (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۱: ۴۷۰) و پیش او نگهداری شود: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر/۱۰). امام رضا (علیه السلام) ضمن اشاره به طریقه صحیح این بندگی، از عواملی که موجب سست و لرزان شدن ستون دین می‌گردد انذار داده و دل‌های مستعد را با بصیرت‌افزایی، نسبت به عواقب کارهای هشدار می‌دهد. قابل تأمل است که تکیه روی مسئله انذار و بیم‌دادن به خاطر آن است که تأثیر این کار در بیدارسازی خفتگان و غافلان بیشتر است. چون اصولاً انسان تا احساس خطر مهمی نکند، از جا حرکت نخواهد کرد و به‌همین دلیل انذارها و اعلام خطرها، به‌صورت تازیان‌هایی بر ارواح بی‌درد گمراهان چنان فرود می‌آید که هر کس قابلیت حرکتی داشت، به حرکت درآید! از این‌رو، امام رضا (علیه السلام) بر این روش در سخنان خود بیشتر تکیه کرده و در هر دوره‌ای با شدت و قاطعیت، انسان‌ها را از عواقب کارهایشان و ترک نمازهایشان آگاه ساخته و انذار می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۶۹).

۳-۵. جلب توجه جهت تفکر بر تال جامع علوم انسانی

عدم تنوع و یکنواختی مطالب، مخاطبان را با ملالت و بی‌رغبتی مواجه می‌سازد. ادامه این امر و تلاش در جهت ارائه مطالب در چنین شرایطی، نقش برآب‌زدن است. لذا، برای برانگیختن قوای عقلانی و تحریک اندیشه‌ها و بیداری نیروهای خفته روحی و بهره‌جستن از شیوه‌های جلب توجه، اجتناب‌ناپذیر است. (قاسمی، ۱۳۸۹: ۲۲۰).

در برخی موارد استفاده از رفتارها و دستوره‌های به‌ظاهر غیرمعمول و اعجاب‌برانگیز، می‌تواند حس کنجکاوی مخاطبانی را که در باتلاق عادات و افکار خود گرفتار آمده‌اند،

برانگیزد و زلال اندیشه‌های نو و احیاگر را در بستر وجود ایشان جاری سازد. امام رضا علیه السلام برای جلب توجه مخاطبان، در عصری که نماز در افکار مردم عبادت محسوب می‌شد، ناگهان از دایره انحصار آن درمی‌آورد و می‌فرماید: «لَيْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۳: ۱۴۱). این سخن موجب بهت و حیرت مخاطبان می‌گردد که چرا امام رضا علیه السلام کثرت نماز را در حوزه عبادت نمی‌داند. در این موقع دل‌ها آماده شنیدن علت این کار می‌گردد که ایشان با ادامه دادن به سخن خود بر این سؤالات ذهنی مردم پاسخ می‌دهد که «إِنَّمَا الْعِبَادَةُ التَّفَكُّرُ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ». تا مردم با تفکر و درک عظمت خداوند در برابر او با آگاهی احساس تذلل کنند. چون با تفکر، انسان به شناخت خویش و شناخت هستی و شناخت دنیا و شناخت الله و شناخت روش زندگی و مرگ پی می‌برد. با تفکر استعدادها و سرمایه‌های انسان مشخص می‌شود. و همین است که نقش تفکر در سازندگی و رشد انسان نقش اول است. البته تفکر به آزادی و مواد خام و رهبری نیازمند است. این رهبر و امام است که با سؤال‌های حساب‌شده، فکر را به جریان می‌اندازد و به آن جهت می‌دهد. این امام و رهبر است که نیازها، تفکرها و زمینه‌های فکری را هماهنگ می‌کند (صفایی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۱۶). امام رضا علیه السلام با این روش تربیتی می‌خواست آن‌ها را وادار کند تا کاوشی در درون خود برای فلسفه این عمل داشته باشند و نمازهایشان تنها پوسته ظاهری نداشته باشد بلکه با عقل و فهم خود دریابند که چنین معبودی سزاوار پرستش است. مقصود امام علیه السلام در این تعریفی که از عبادت فرموده، با همه معنای گسترده و مفهوم ژرفی که این واژه دارد، اصلاح نظریه مردم درباره عبادات، امثال نماز و روزه و جز اینها و نیز تذکر این است که اعمال مذکور به همین حرکات واجب و اذکار مقرر در نماز و یا خودداری از خوردن و آشامیدن و امثال آن در روزه، منحصر نیست، بلکه این‌ها صورت خارجی عمل است و عبادت، آن محتوایی است که در درون این قلب قرار دارد. امام علیه السلام با این سخن، حقیقتی را که واجب است در عبادات شبانه‌روزی خود آن را در نظر بگیریم، به ما گوشزد می‌فرماید و از اینکه به صورت یکنواخت در قالبی خالی از معانی بلند روحی که در این عبادات از ما خواسته شده آن‌ها را انجام دهیم، برحذر می‌دارد. بنابراین،

عبادت چیست؟ امام (علیه السلام) می‌فرماید: عبادت بسیار اندیشیدن درباره‌ی خداوند است. اما بسیاری نماز و روزه‌ای که از حدود حرکات مقرر و صورت معین آن تجاوز نمی‌کند و خالی از محتوای ایمانی استوار است، و انسان در شبانه‌روز به انجام‌دادن آن عادت کرده است، عبادت نیست. بدیهی است، این‌گونه نماز و روزه جز حرکات و اعمالی قالبی که فاقد هرگونه محتوای حکیمانه و اصالت‌های روحی است، چیز دیگری به‌شمار نمی‌رود (فضل الله، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۷۱). امام (علیه السلام) با این روش خواست تا سخن از حالت یکنواختی خارج گردیده و نکات حساس موضوعی که مورد فرهنگ‌سازی واقع شده، در درون و افکار انسان ریشه دواند.

۴-۵. اعطای بینش

نوع نگاه انسان به رخدادها و واقعیت‌های گوناگون و طرز تلقی او از جهان اطرافش یا به‌عبارتی جهان‌بینی او، در رفتارهای اخلاقی وی مؤثر است. گاهی فردی به‌دلیل شرایط محیطی و یادگیری‌های غلط و تجربیات بد، از دیدگاهی نادرست به رخدادها و وقایع پیرامون خود می‌نگرد و طبعاً عملکرد او نیز که بر همین تصورات و جمع‌بندی‌های غلط استوار گردیده، اشتباه خواهد بود. از این‌رو، در بسیاری مواقع اعطای بینش و اصلاح نگرش‌ها مستقیماً به تغییر رفتار و عملکرد فرد خواهد انجامید. برخی روان‌شناسان معتقدند یکی از روش‌های درمانی مؤثر در جهت تغییر الگوهای رفتاری نامناسب و غیراخلاقی، تغییر بینش‌ها و نگرش‌های افراد به امور و جانشین کردن باورهای جدید به جای آن‌هاست (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

رسیدگی به امور مردم و حل مشکلات و معضلات آنها و تصحیح و تغییر و تعمیق باورهای دینی مردم، یکی از اوصاف برجسته‌ی امامان است که حضرات معصومین به‌عنوان یکی از وظایف امامت و رهبری جامعه و خدمت به انسان‌ها انجام می‌دهند. به مقتضای روح هدایتگری و رهبری معنوی که از وظایف ائمه (علیهم السلام) است و شدت اهتمام به امر دین و دنیای مردم و دلسوزی نسبت به وضع جامعه اسلامی و نیز

به دلیل وراثت و حاکمیت امور جامعه اسلامی و اسوه بودن آن‌ها در بین مردم، ایجاب می‌کند تا در هر فرصتی نسبت به دادن بینش و افزایش بصیرت و آگاهی مردم به‌خصوص در مسائل مربوط به امور اخروی، اهتمام بیشتری داشته باشند.

در سخنان امام رضا (علیه السلام) برای نهادینه کردن فریضه نماز، اشاراتی مبتنی بر ارائه بینش یافت می‌شود که با این کار انسان را به چیزی فرا می‌خواند که برایش راه صلاح و فلاح را رهنمون می‌سازد. ایشان با اعطای بینش صحیح، حجاب‌های غفلت افرادی را که به دلیل نداشتن بصیرت کافی دچار انحراف شده‌اند، برمی‌دارد و سپس تحولی عمیق و صحیح در آن‌ها به وجود می‌آورد. نمونه این اعطای بینش در سیره رضوی، درباره علت تشریح نماز است. امام (علیه السلام) فرمودند: علت تشریح نماز این است که نماز، اقرار به ربوبیت خداوند، نفی مانند و همتا از او، قیام متواضعانه و ذلیلانه و توأم با خضوع در محضر او و اعتراف به گناه و طلب آمرزش گناهان گذشته از اوست. نماز پیشانی مذلت به خاک نهادن برای تعظیم خداوند است و برای اینکه انسان همواره به یاد او باشد، فراموشکار و ناسپاس نباشد، خاشع و ذلیل و متمایل به او باشد و زیادت دین و دنیا از او بطلبد، نماز مداومت شبانه‌روزی یاد خداوند است تا بنده، مولا و مدبّر و خالق خود را فراموش نکند و به کفران و طغیان کشانده نشود و همیشه به یاد او و در محضر او باشد تا خداوند او را از گناهان و از انواع فساد باز دارد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۴، ح ۷). اگر انسان از فلسفه و فواید و علت تشریح این تذلل و حقارت در برابر عظمت خداوند آگاه گردد، بی‌شک نسبت به امور واهی دنیوی خود را مشغول نمی‌کند و عمر گرانبمایه را به ثمن کم‌ارزشی معامله نمی‌کند.

امام رضا (علیه السلام) جهت اعطای بینش و تعمیق باورهای مردم در بیان فلسفه نماز جماعت، به ضرورت نمایان شدن اخلاص، توحید، تسلیم و پرستش خداوند اشاره می‌کنند که بی‌تردید بستر مناسبی برای نیکی و تقوای پیشگی شرکت‌کنندگان در نماز جماعت خواهد بود. آن حضرت فرمودند: «نماز جماعت از آن رو وضع شده است تا اخلاص و توحید و اسلام و عبادت خداوند آشکار و هویدا باشد و شهرت یابند زیرا اظهار این امور حجتی است برای خدای یگانه بر مردمان شرق و غرب عالم... علاوه

بر این، نماز جماعت موجب کمک‌کردن به یکدیگر در راه نیکی و تقوا و بازداشتن از بسیاری از معاصی خداوند عزوجل است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ۲۷۲). آن حضرت در حدیثی طولانی حکمت تقسیم نمازهای یومیه به اوقات خاص را برای افزایش بینش مردم و رغبت آن‌ها به برپایی نماز در اوقات خاص، تشریح کردند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۱۱۷، ح ۱۱). بی‌شک، یکی از روش‌های مهم تربیتی جهت نهادینه‌کردن فرهنگ نمازخوانی در جامعه، اعطای بینش برای آحاد جامعه و تصحیح باورهای آنان در خصوص اهمیت نماز است.

۵-۵. روش غیرمستقیم

مقصود از روش غیرمستقیم آن است که مربی به‌عنوان کسی که در صدد تعلیم و تربیت است، متربّی را مورد خطاب مستقیم قرار نمی‌دهد (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۴: ۷۱) بلکه در مواردی از آموزش غیرمستقیم برای اثرگذاری بیشتر در متعلم بهره می‌برد چون اگر به متعلم مستقیماً گفته شود که فلان امر خوب یا بد است یا آن کار باید انجام بشود یا نه، ممکن است موضع‌گیری کند و خیلی توجه نکند. بنابراین، همیشه نباید به‌صورت مستقیم آموزش داد، اگرچه تأثیر آموزش مستقیم در جای خود بسیار حایز اهمیت است.

قرآن کریم بسیاری از حقایق مربوط به معارف دینی و اخلاقی و اجتماعی را به‌صورت غیرمستقیم مطرح می‌کند تا تأثیر فوق‌العاده‌ای در برنامه‌های تربیتی داشته باشد. در واقع، القای یک پیام بی‌آنکه مخاطب خود بداند تحت تأثیر آن قرار گرفته و روح و اندیشه او را به تسخیر درآورده، خود روش و هنری بسیار ظریف و دقیق است که بسیار کارآمدتر و مؤثرتر از مواجهه مستقیم با مخاطبان است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۲۳۲) چون وقتی مسئله به‌صورت قطعی و جزمی مطرح شود، اولاً مخاطب در مقابل آن مقاومت به خرج می‌دهد و فرایند انتقال مفاهیم مختل می‌شود. ثانیاً انسان معمولاً به افکار و برداشتهای خود از مسائل مختلف بیش از هر چیز دیگر اهمیت می‌دهد.

در اعمال و رفتار هشتمین خورشید ولایت، استفاده از این روش به وفور دیده می‌شود. زمانی که ایشان مهم‌ترین جلسات را برای برپایی نماز تعطیل می‌کنند و یا وقتی می‌فرمایند: هرگاه انسان نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند، پس به حال نشسته اقامه نماز کند و اگر توانایی اینکه نشسته نماز بخواند در او نیست، به پشت بخوابد و پاهایش را به طرف قبله دراز کند و با اشاره نماز بخواند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶۸). در واقع، امام (علیه السلام) به روش غیرمستقیم بیان می‌کند که نماز در هیچ شرایطی و بدون هیچ عذر شرعی تعطیل‌بردار نیست و در هر صورت باید اقامه شود. به عبارت دیگر، امام با اعمال و گفتار خود نشان می‌دهد که احکام الهی در شرایط مختلف تخفیف‌بردار است، ولی تعطیل‌بردار نیست. اسماعیل بن مهران می‌گوید که به امام رضا (علیه السلام) نامه نوشتیم و از آن حضرت درباره اوقات نماز مخصوصاً نماز مغرب پرسیدم، در پاسخ من نوشتند: وقت مغرب تنگ است و آخر وقت آن سرخی و گشتن آن به سفید در افق مغرب است (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۵: ۱۲۰). در واقع، سرخی و گشتن آن به سفیدی در افق به روش غیرمستقیم بر اقامه نماز اول وقت اشاره و افراد را بر آن ترغیب می‌کنند به گونه‌ای که تنها زمان شرعی‌اش همان محدوده زمانی است که امام فرمود در حالی که وقت وجوب آن بیشتر از این زمان است و نظر امام (علیه السلام) درباره وقت افضل آن بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۵-۶. تکلیف در غایت وسع

در نظام تربیتی تنها اکتفا به تعیین تکلیف در حد وسع، ناقص و موجب ناتمامی تربیت خواهد شد. تکمله این روش، روش دیگری است که در آن باید افراد را از حیطة عادی وسع به بالاترین حدّ وسع متوجه ساخت و علاوه بر رعایت وسع افراد در عرضة تکالیف، افراد مستعد را به چیزی «فراتر از وسع» دعوت کرد تا در تلاش و پوییش به سمت آن، وسع فراتر آنان نیز پدیدار شود (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۳۸). یکی از ویژگی‌های مهم احکام دین، تناسب آن‌ها با توانایی و استعداد افراد است؛ یعنی وظیفه هر یک از افراد نسبت به مسائل شرعی متناسب با قدرت و توانایی او مشخص

شده است. انسان‌ها از نظر طبیعی به هیچ‌روی یکسان نیستند، بلکه ظرفیت و توانایی جسمی و روحی افراد با یکدیگر متفاوت است. این اختلاف طبیعت‌ها و آفرینش‌ها، میزان تأثیرپذیری، تفاوت ظرفیت‌های ذاتی و اکتسابی، توان و استعداد آن‌ها را نسبت به انجام تکالیف الهی با همدیگر متمایز می‌کند.

در یک جامعه دینی و اسلامی که معتقد به دین الهی هستند، مردم پیش از هر چیز سعی می‌کنند اعمال و رفتار خود را منطبق بر عقیده دینی و مذهبی رهبران خود انجام دهند. ائمه طاهرین (علیهم‌السلام) سعی بلیغ داشتند تا شیعیان و دوستداران خود را از جهت رشد و تعالی و ارتقا و استحکام معنوی فراتر از وسع به کمال برسانند. در زمان امام رضا (علیه‌السلام) به خصوص در ایران که حکومتی به‌ظاهر مسلمان و از اهل تسنن وجود داشت، مردم با نمازهای یومیه آشنایی داشتند و بر آن عمل می‌کردند، اما امام به این حد از ارتقای معنوی اکتفا نمی‌کرد. ایشان به اهمیت نوافل به‌ویژه نماز شب تأکید داشت، به‌همین دلیل کم می‌خوابید و بیشتر شب را با عبادت کردن، به صبح می‌رساند: «وَ كَانَ عَلَيْهِ قَلِيلَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ كَثِيرَ السَّهْرِ يُحْيِي أَكْثَرَ لَيَالِيهِ مِنْ أَوْلَاهَا إِلَى الصُّبْحِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۹۱) تا یاد دهد که مسئولان فرهنگی باید در نهایت وسع به انجام تکالیف مبادرت ورزند تا برای فرهنگ‌سازی صحیح با انجام تکالیفی در غایت وسع، خود را پرورش دهند.

هشتمین اختر تابناک ولایت و امامت علاوه بر پرورش خود، با توجه به تفاوت استعداد و توانایی‌های افراد، برخی تکالیف سنگین را به آن‌ها توصیه می‌کرد؛ از جمله: «وَ عَلَيْكَ بِالصَّلَاةِ فِي اللَّيْلِ» (منسوب به امام رضا (علیه‌السلام)، ۱۴۰۶ق: ۱۳۷). یا حتی برخی از آن‌ها را به خواندن قضای نمازهای نافله در هر ساعتی از شب و روز تشویق می‌کند چنان‌که در پاسخ محمدبن یحیی که پرسید: چه موقع می‌توانیم نمازهای نافله را قضا کنیم؟ می‌نویسد: هر ساعتی از شب یا روز (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۷۲). به جهت اهمیت همین نکته تربیتی است که درباره نماز شب مسافر و مریض به فضل بن شاذان فرمود: برای مسافر و مریض جایز است که نماز شب را در اول شب بخواند به جهت اشتغال و ضعفش و برای استفاده از نمازش، تا مریض در وقت راحتش

استراحت کند و مسافر به کار و کوچ سفرش مشغول باشد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۱۴۷). ایشان به این طریق می‌خواستند استعدادهای افراد مستعد را پرورش و آنان را برای رسیدن به مقام بالا یاری دهند چون اگر تنها به وسع عمومی اکتفا می‌کرد، افراد تنها در حیطة عمومی وسع خویش پرسه می‌زنند و از وسع فراتر خود غافل می‌مانند. نمونه آن در احادیث فراوانی از ایشان که در کتاب «مسند امام رضا (علیه السلام)» با عنوان «باب النوافل» آمده، قابل مشاهده است.

رجاء بن ابی‌ضحاک می‌گوید: در سفری خدمت امام رضا (علیه السلام) بودم. چون نماز آن حضرت قصر بود، برای جبران آن فضیلت از دست‌رفته، پس از هر نماز، سی مرتبه می‌فرمود: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۵۲۳). این سیره رفتاری حضرت در انجام نوافل و سحرخیزی و جبران فضیلت از دست‌رفته نمازهای یومیه و توصیه به دیگران، تلاش در جهت ارتقای معنویت مردم بود. ایشان به استعداد افراد به‌اندازه وسع‌شان بسنده نمی‌کرد و سعی داشت با رفتار و گفتار خویش، آن‌ها را در امر اقامه نماز به مرحله فراتر از وسع راهبری کند چون تکلیف در غایت وسع، روشی است که همت‌های بلند را آزاد می‌کند. به همین دلیل، امام رضا (علیه السلام) بر این روش در تربیت تأکید داشت و با برشمردن میزان توان و استعداد افراد، می‌خواست آن‌ها با اختیار به‌سوی معنویت پرواز و قله‌های سعادت را فتح کنند.

۷-۵. تبشیر و تشویق

تشویق به معنای برانگیختن و به‌شوق درآوردن، یکی از روش‌های تربیتی است که قرآن کریم ضمن تأکید بر آن، ارسال برخی پیامبران را برای تبشیر و تشویق می‌داند (بقره/ ۲۱۳؛ انعام/ ۴۸). از آنجاکه تربیت مستلزم تن‌دادن به تکالیف است و این امر فی‌نفسه زایل‌کننده رغبت است، باید این تلخی را به روشی کاهش داد تا قبول تکالیف میسرتر شود. تبشیر و تشویق یکی از روش‌های تربیتی است که می‌تواند این مهم را انجام دهد. تبشیر به معنای بشارت‌دادن به عطایایی است که پس از

به‌دوش گرفتن تکالیف، به فرد ارزانی می‌شود و مظهری از فضل و رحمت است. بشارت در وجود آدمی امید می‌آفریند و با کشش این امید، او را آماده قبول زحمت می‌گرداند (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۶۹). تشویق عاملی است در برانگیختن انسان به‌سوی اهداف والای تربیت و وسیله‌ای است برای تقویت انسان در خیرها و ترغیب به تلاش بیشتر و فراهم کردن نشاط لازم در تربیت. امام علی (علیه السلام) به مالک فرمودند: آنان را به نیکویی یاد کن و پیوسته تشویق‌شان نما و کارهای مهمی را که انجام داده‌اند بر شمار، زیرا یاد کردن کارهای نیک آنان، دلیرشان را به کوشش و حرکت بیشتر بر می‌انگیزاند و از کارمانده را به کار و تلاش ترغیب می‌نماید (نهج البلاغه، نامه ۵۳). تشویق مانند هر امر دیگری زمانی نتیجه‌بخش و مثبت و رشددهنده خواهد بود که به فعل، عمل و صفت و ویژگی نیک شخص تعلق بگیرد تا بتواند برانگیزاننده و تقویت‌کننده باشد. حضرت رضا (علیه السلام) فرمودند: «همانا خداوند وسعت‌دهنده و کریم است و در مورد عمل ضامن ثواب است.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۴۷).

در سیره رفتاری امام (علیه السلام) گونه‌های مختلف روش تشویق و تبشیر برای انجام نماز به چشم می‌خورد. امام رضا (علیه السلام) زمانی که نماز را مایه تقریب پرهیزگاران به خدا معرفی می‌کند (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۶: ۱۰) در واقع با آگاهی دادن از نتایج و ثمرات کارهای نیک و خوب به مترقی، شوق و انگیزه کافی را برای انجام عمل در او فراهم آورده، چنان سروری در وی ایجاد می‌کند که اثر و نتیجه آن در ظاهر و صورت او آشکار می‌شود، زیرا وقتی فردی عظمت خداوند را درک کند، تقرب به او بهترین انگیزه برای انجام عبادات و اموراتش می‌شود.

یحیی بن حبیب می‌گوید: از حضرت رضا (علیه السلام) سؤال کردم از بهترین چیزی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند. فرمود: چهل و شش رکعت نماز واجب و نوافل آن. گفتم این روایت زراره است. فرمود: آیا کسی را راستگوتر از او دیده‌ای؟ (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۳۵). امام (علیه السلام) گاه با بیان ثواب انجام نماز در برخی مکان‌ها، مردم را تشویق به انجام نماز می‌کردند. موسی بن سلام می‌گوید: وقتی امام رضا (علیه السلام) عمره را انجام داد. وقتی خانه را وداع کرد و وارد باب الحناتین به‌منظور خروج از آن شد، در حیاط مسجد در

پشت کعبه ایستاد و دست‌هایش را بلند کرد و دعا نمود. سپس به‌سوی ما برگشت و فرمود: «بهترین چیز این است که آنچه نیاز داری از او درخواست کنی. نماز در اینجا بهتر از شصت سال نماز در جای دیگر است.» پس چون به دروازه رسید، فرمود: خدایا، من خراج می‌شوم اما خدایی جز تو نیست. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۵۳).

در روش تبشیر نکته قابل تأملی که نباید از آن غفلت کرد، آن است که غالباً در جریان تربیت، ایده‌آل‌گرایی و بلندپروازی انسان را به‌خود مشغول می‌دارد، لذا باید بشارت‌ها را چنان گسترده به‌کار گرفت که هر کس را در هر مرحله‌ای در برگیرد. به‌عبارت دیگر، باید تبشیر در سطوح مختلف انجام گیرد و انسان‌های وارسته را به مقامات بالا و سایرین را نیز متناسب با سطح خودشان بشارت دهد. امام رضا (علیه‌السلام) هم ضمن توجه به این نکته مهم در تبشیرهای خود به تفاوت‌های درک و فهم افراد توجه کرده و در سخنی فرمودند: هر کس یک نماز واجب را به‌جای آورد، نزد خداوند یک دعای مستجاب دارد (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۸). تا بدین‌صورت افراد برای اجابت خواست‌های درونی، رو به‌سوی خدای رحمان بیاورند و حتی برای رفع حاجات خود، او را خالصانه عبادت کنند.

۸-۵. تدریج و تدرج

تربیت و ظهور و بروز عینی استعدادهای بالقوه انسان محتاج گذشت زمان است و جز با حرکتی تدریجی نمی‌توان انتظار نیل به مقصد و مقصود را داشت، زیرا رشد و تحول روحی انسان و نیل به کمالات والای انسانی و اخلاقی، جز در بستری مناسب و با روند تدریجی و با رعایت توانایی‌ها و قدرت افراد، به‌سامان نمی‌رسد (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۵). شدیدترین تغییرات اگر با زمینه‌چینی قبلی و به‌طور تدریجی پیاده شود، آمادگی پذیرش افراد را بالا می‌برد (حسینی، ۱۳۷۸: ۱۸۲). هدایت و تربیت امری است تدریجی و مبتنی بر توانایی آدمی، زیرا استعدادهای انسان به‌تدریج بر مبنای توانایی‌هایش شکوفا می‌شود و انسان‌ها از نظر استعداد و توانایی و مرتبه

پذیرش دین و نیز دینداری در مراتب مختلفند، و اگر این حقیقت که آدمیان به شدت متفاوتند و در مراتب گوناگون قرار دارند، در هدایت و تربیت ملاحظه نشود و انتظارهای دینی متناسب با استعداد و توانایی مردمان نباشد، تدرج در سلوک دینی صورت نپذیرد، دین و دینداری آسیب می‌بیند و انسان‌ها نمی‌توانند با آیینی همراه شوند که متناسب مراتب وجود آنان نیست (دلشاد، ۱۳۹۵: ۱۵۵).

این روش در سیره امام رضا (علیه السلام) تا اواخر عمر شریفشان نیز قابل مشاهده است. ایشان در هیچ برهه‌ای از زمان به ایراد احادیث مربوط به نماز به صورت یک‌باره و یکجا نپرداختند بلکه در شرایط و موقعیت‌های گوناگون هر جا که دل‌ها را آماده شنیدن و پذیرفتن دیدند، به فرهنگ‌سازی پرداختند. گاهی با اعمال خود، گاهی با جواب‌دادن به نامه‌ی یاران، گاهی با روشن‌ساختن احکام مربوط به نماز و گاهی در قالب موعظه و توصیه، به این امر مبادرت ورزیدند تا پذیرش آن احکام و قوانین برای آن‌ها سهل بوده و برای همیشه در اذهان بماند و زمینه‌ی یک تحول بزرگ اجتماعی و تربیتی را در میان مردم فراهم آورد.

۹-۵. تفصیل احکام

تبیین جزئیات و احکام یک مسئله می‌تواند در روند فرهنگ‌سازی صحیح آن تأثیر بسزایی داشته باشد. در این صورت، مربی تلاش می‌کند تا در صورت رویارویی با موقعیت‌هایی که احکام متفاوتی را برمی‌تابد، به ذکر این قوانین جدید بپردازد تا متربی قوانین انجام آن را در شرایط مختلف بداند و به آن عمل کند. در واقع، تبیین احکام بسان تابلوهای راهنمایی است که فرد را برای رسیدن به مقصد کمک می‌کند. بنابراین، تبیین جزئیات احکام نماز برای افراد با توجه به پیدایش انحراف‌های عقیدتی و ظهور فرق مختلف و اوضاع عصر امام رضا (علیه السلام) ایجاب می‌کرد تا بر این روش بیشتر تأکید و توجه کرد. از این‌رو، ایشان بیشتر سخنان خود را به تفصیل و تبیین احکام نماز اختصاص دادند تا مردم از دستورهای اسلام

ناب محمدی بر اثر تحریف‌ها و انحراف‌ها فاصله نگرفته و قوانین صحیح را به یاد داشته باشند و متناسب با آن اقامه نماز کنند.

وجود کتابی به نام فقه‌المنسوب الی الامام الرضا (علیه السلام) که به گردآوری احادیث مربوط به احکام و نکات فقهی مسائل است، دلیل بر توجه این اختر تابناک بر این بعد از فرهنگ‌سازی است. قاسم الصیقل روایت کرده است که به حضرت رضا (علیه السلام) نوشتیم: من از پوست خرهای مرده غلاف شمشیر می‌سازم و آن‌ها با لباس من تماس دارند و من درحالی‌که آن لباس‌ها را پوشیده‌ام، نماز می‌خوانم. امام در پاسخ من نوشت: از لباس دیگری برای نماز استفاده کن؛ اما پوست حیوانات مرده نجس است و وقتی جامه‌ای تر باشد، از آن نجس می‌شود. از این‌رو، نماز جایز نیست مگر در لباس پاک. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۶: ۴۲۸). و در حدیثی دیگر ایشان خود احکام آهسته یا بلندخواندن نماز را با عمل نشان می‌داد و قرائت را در نماز مغرب و عشاء و نماز شب و شفع و وتر و نماز صبح را بلند می‌خواند و قرائت ظهر و عصر را آهسته می‌خواند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶: ۸۵). در گفتار دیگری فرمودند: بر مردان واجب است که نماز صبح را بلند بخوانند و همچنین دو رکعت اول نماز مغرب و عشاء را و نماز ظهر و عصر را در غیر روز جمعه آهسته بخوانند و اما در روز جمعه مستحب است بلند خوانده شود و اگر عمداً آهسته خواند نمازش باطل است و اگر فراموش کرد یا ندانست نمازش صحیح است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۳۴۴).

۱۰-۵. مداومت و محافظت

یکی دیگر از روش‌هایی که در فرهنگ‌سازی نماز نقش بسزایی دارد، دعوت به مداومت و محافظت بر عمل است. مداومت که ناظر به کمیت عمل است، استمرار آن را نشان می‌دهد و محافظت بر عمل، ناظر به کیفیت آن است و مراقبت و مراعات شرایط و ضوابط آن را گوشزد می‌کند و این دو در کنار هم تأمین‌کننده تأثیر و تأثر مستمر ظاهر و باطن است، زیرا مداومت بر عمل، اعضا و جوارح بدن (یعنی ظاهر) را

پیوسته به کار می‌برد و مراقبت، هوشیاری و توجه (یعنی جنبه باطنی) را نسبت به ضوابط باطنی و ظاهری فراهم می‌آورد (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۲۶). امام رضا علیه السلام بر این اصل در روند فرهنگ‌سازی نماز بسیار تأکید داشت زیرا ارتباط با خدا از طریق نماز، هنگامی انسان را استوار می‌کند که دو خصیصه مذکور را دارا باشد، در غیر این صورت اگر بدون مداومت باشد کفر را در پی دارد: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۹۸) و اگر بدون محافظت باشد بنا به فرموده امام رضا علیه السلام «ویل» خدا را به دنبال می‌آورد: «فَالْوَيْلُ لِمَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَى صَلَاتِهِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۳۰). ایشان در مقابل آن، از افراد دیگری یاد می‌کند که شرایط و ضوابط آن را رعایت کرده و شیطان را از خود بیمناک می‌سازند: «لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ ذَعِرًا مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافِظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ» (منسوب به امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ق: ۴۲). در واقع، امام با این سخنان می‌خواهند مسلمانان آداب و شرایط و ارکان و خصوصیات آن را حفظ کنند و روح نماز را که حضور قلب است، تقویت کنند و موانع اخلاقی را که سد راه قبول آن است، از بین ببرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۳۹). ایشان در تفسیر آیه «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» (معارف/۲۳) می‌فرماید: خداوند به افرادی اشاره دارد که در ادای نمازهای واجب و مستحبی خود مداومت دارند و اگر شب فوت شد، قضای آن را به‌جا می‌آورند و بالعکس (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹: ۳۵۰) و یا در حدیثی دیگر به هر دو جنبه این روش تأکید می‌کند و می‌فرماید: مراقب نمازهای پنج‌گانه باشید... اگر نماز را به‌تمام و کمال به‌جا آورده باشید، عبادات او را می‌پذیرد...؛ یعنی نمازهایتان را در زمان اصلی آن به‌جای آورید و تمام شرایط لازم برای حصول کمال آن را رعایت کنید زیرا مداومت بدون محافظت، سازنده عادات سطحی و خشک است و محافظت بدون مداومت اصلاً سازنده نیست و هرچند عمل متعالی باشد، زایل خواهد شد. لازم به‌ذکر است، منظور از مداومت این نیست که همیشه در حال نماز باشند، بلکه منظور این است که در اوقات معین نماز را به‌پا دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۳۰).

نکته دیگر که شایان توجه است اینکه فریضه‌بودن نماز مستلزم مداومت و محافظت

بر عمل است. به عبارت دیگر، در صورتی عمل فریضی مورد قبول قرار می‌گیرد که اولاً به صورت پیوسته و مستمر در زمان مشخص انجام شود و ثانیاً مطابق با آداب و شرایط ویژه‌اش ادا گردد. بنابراین، فریضه‌ساختن عملی خودبه‌خود استمرار و محافظت از عمل را نیز در پی خواهد داشت. لذا دلیل این همه تأکید این است که اصولاً هر کار خیری آن‌گاه در انسان اثر مثبت می‌گذارد که تداوم داشته باشد. در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) آمده است: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعِبْدُ وَإِنْ قَلَّ»؛ محبوب‌ترین اعمال نزد خدا چیزی است که مداومت داشته باشد، هرچند کم باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ۲۱۶).

۱۱-۵. تنوع بیان

بیان مطالب به شیوه‌های متفاوت و مختلف، روشی کارساز است که در تعلیم و تربیت به کار می‌رود. چون هدف از بیان متنوع یک مسئله به شکل‌های مختلف برای فهم و درک دقیق مسئله و مطلب برای مخاطب و شنونده است. بر این اساس، معلمان و مربیانی که مطالب و مبانی تربیتی را به زبان‌ها و اشکال مختلف به متریبان می‌آموزند، گستره وسیع‌تری از آن‌ها را تحت تربیت در آورده‌اند تا اینکه فقط از روش خاصی بهره‌جویند که تنها عده‌ای خاص نیز آن را درک می‌کنند (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۴: ۲۰۷).

قرآن کریم به‌زیبایی از این روش تنوع بیان برای رساندن اهداف تربیتی استفاده کرده است. یکی از این موارد بیان قصه‌های قرآنی است. قصه‌های قرآن با اسلوب واحد و در یک قالب خاص عرضه نمی‌شوند، تنوع اسلوبی و بهره‌گیری از قالب‌های داستانی گوناگون موجب تشویق مخاطبان برای پی‌گیری داستان است. جالب اینکه قسم‌های قرآن نیز بسیار متنوع است. خداوند متعال در برخی از آیات قرآن، به ذات پاک خویش قسم خورده و در مواردی به قرآن کریم و در پاره‌ای از آیات به شخص پیامبر اکرم (ص) قسم می‌خورد. اهل بیت (علیهم السلام) نیز در زمینه شیوه‌های فرهنگی و

تعلیماتی اهمیت ویژه‌ای به تنوع مواد فرهنگی می‌دادند.

بیان اهمیت و جایگاه نماز در زندگی انسان و میزان تأثیرگذاری در سالم‌سازی فضای فرهنگی جامعه و پالایش ناهنجاری‌های آن، از جمله مواردی است که به روش تنوع بیان در بیانات حضرت رضا علیه السلام دیده می‌شود. هشتمین مریی آسمانی با تأسی از این شیوه قرآنی، وقتی عقیده و پیامی را مطرح می‌کند، آن را از زوایای گوناگون و با روش‌های متنوعی به مخاطب القا می‌کند. یعنی گاهی در قالب بشارت بیان می‌کند و گاهی در قالب انداز، گاهی به صورت غیرمستقیم و زمانی نیز به صورت تذکر، اهمیت آن را متذکر می‌شدند. این تنوع بیان و پردازش نمی‌تواند بدون فلسفه و حکمت باشد. نزدیک‌ترین توجیه در فهم آن این است که تنوع‌گرایی نه‌تنها در رفتار و کردار بشر که حتی در دریافت و شناخت وی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و پیامی که با درون و ذهن انسان سر و کار دارد، نمی‌تواند بدون نظرداشت این واقعیت تأثیرگذار باشد (همان: ۲۰۸).

۶. نتیجه‌گیری

یکی از مشکلات اساسی جوامع امروزی، وجود مفسد اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و... است. متأسفانه جوامع اسلامی نیز از این بلایا در امان نمانده‌اند و با تلاش روزافزون دشمنان، روزبه‌روز مفسد مزبور گسترش بیشتری می‌یابد. این مشکلات به‌دلیل فاصله‌گرفتن از فرهنگ اصیل اسلام است. اگر بررسی مشکلات جامعه با مهندسی فرهنگی بر اساس سیره و سنت اولیای الهی صورت بگیرد، همه این مشکلات مرتفع و زمینه ترقی و سعادت فراهم خواهد شد.

نماز جامع‌ترین جلوه یاد خدا و یکی از برترین مصداق‌های فرهنگ اسلام ناب است که در صورت عمل به آن طبق فرمان الهی، موجبات سالم‌سازی فرد و سلامت اجتماع فراهم می‌شود. امام رضا علیه السلام به‌عنوان یکی از مربیان آسمانی، برای

نهادینه کردن فرهنگ نماز در عصری که با بحران‌های اعتقادی و فرهنگی روبه‌رو بود و احادیث و رهنمودهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام با جعل و تحریف مقارن گشته بود، تلاش کرد تا ضمن پاک‌سازی احادیث پیشینیان و ایراد رهنمودهایی، مردم را از سرگردانی نجات دهد و منبع عظیمی برای آیندگان برای تمسک به آن راهنمایی‌ها فراهم کند. امروزه می‌توان با تأسی از شیوه‌های این اختر تابناک که به گسترش فرهنگ نماز در جامعه پرداخت و از این طریق همه نهادهای فرهنگی جامعه را در ابعاد مختلف به زیباترین نمادها رساند و نمودهای زشت را از ساحت فرهنگ جامع بشری بدون محدودیت تاریخی با کارآمدی همیشگی و پایدار زدود، جامعه خود را به سمت وسوی سعادت کشاند. از بررسی فرمایش‌های امام رضا علیه السلام همچنین تحلیل سیره رفتاری آن حضرت روش‌های تربیتی اسوه‌سازی و اسوه‌مداری، انذار و بیم، جلب توجه، اعطای بینش، غیرمستقیم، تکلیف در غایت وسع، تیشیر و تشویق، تدریج و تدرج، تفصیل احکام، مداومت و محافظت، تنوع بیان به دست آمد که کاربست این روش‌ها، فرهنگ نمازخوانی را در جامعه نهادینه می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. (۱۴۱۴ق). چاپ اول. قم: هجرت.
- ابن بابویه، محمدبن علی (شیخ صدوق). (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا علیه السلام. تهران: نشر جهان.
- _____ (۱۳۹۸ق). التوحید. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- احمدی میانجی، علی. (۱۴۲۶ق). مکاتیب الائمة علیهم السلام. قم: دارالحدیث.
- انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۵). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.
- بهروان، حسین. (۱۳۷۹). «آسیب شناسی فرهنگی در اندیشه امام علی علیه السلام». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. ۱۳۰ و ۱۳۱. صص: ۵۳۷-۵۵۲.
- پارسا، حمید. (۱۳۹۰). روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی. قم: کتاب فردا.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). تفسیر تسنیم. قم: اسراء.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: موسسه آل‌البتیت.
- حسینی، سیدابوالقاسم. (۱۳۷۸). اصول بهداشت روانی (بررسی مقدماتی اصول بهداشت روانی، روان‌درمانی و برنامه‌ریزی در مکتب اسلام). چاپ ششم. مشهد: به نشر.
- حسینی پورسی سخت، نیکنام. (۱۳۹۰). فرهنگ، فعالیت فرهنگی و صنایع فرهنگی. تهران: زیتون سبز.
- حکیم، محمد باقر. (۱۳۹۱). نقش اهل بیت علیهم السلام در بنیان‌گذاری جماعت صالحان. بی‌جا: مجمع جهانی اهل بیت.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۹۵). رهنمایان دین. تهران: دریا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
- ری‌شهری، محمد. (۱۳۹۲). شناخت نامه نماز. قم: دارالحدیث.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سبحانی‌نیا، جواد. (۱۳۹۴). تعلیم و تربیت برتر. قم: زائر.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شریف قرشی، باقر. (۱۳۸۰). حیات امام رضا علیه السلام. چاپ دوم. قم: سعید بن جبیر.
- _____ (۱۳۸۲). پژوهشی دقیق در زندگانی امام رضا علیه السلام. ترجمه سید محمد صالحی. تهران: اسلامیه.
- صفایی حائری، علی. (۱۳۸۲). مسئولیت و سازندگی. قم: لیله القدر.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام. ج چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عقیل، محسن. (۱۳۹۱). گزیده‌ای از سخنان گهربار امام رضا علیه السلام. ترجمه محمد تقدیمی صابری. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

- عمید، حسن. (۱۳۷۴). فرهنگ عمید جغرافیا و تاریخ و اطلاعات عمومی. ج چهارم. تهران: امیرکبیر.
- فضل‌الله، محمدجواد. (۱۳۸۲). تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام. مترجم: سیدمحمدصادق عارف. چاپ هفتم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- قاسمی، حمید. (۱۳۸۹). روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن. تهران: نشر بین‌الملل.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۹). قرآن و تبلیغ. چاپ هشتم. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۴۲۹ق). الکافی. قم: دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الاطهار. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محبی‌پور، صغری. (۱۳۸۸). نقش امام رضا علیه السلام در حدیث شیعه. تهران: نشر بین‌الملل.
- معین، محمد. (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی متوسط. چاپ ششم. تهران: امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۸۶). پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منسوب به امام رضا (ع). (۱۴۰۶ق). الفقه. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- نوری، حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل‌البیت.

